



محمد رضا میرشاه‌ولد  
hotpen77@yahoo.com  
... کارونیست

## تماشاخانه

پیراگفتم: به ماشد عرصه تنگ | توی دنیای پزاراندوه و جنگ  
جزشکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کرد و داد پاسخ: «شهرنگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون  
شماره هزار و پنجم

شهرنگ

صفحه آخر

دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۸  
سال هفتم شماره ۱۹۱۳

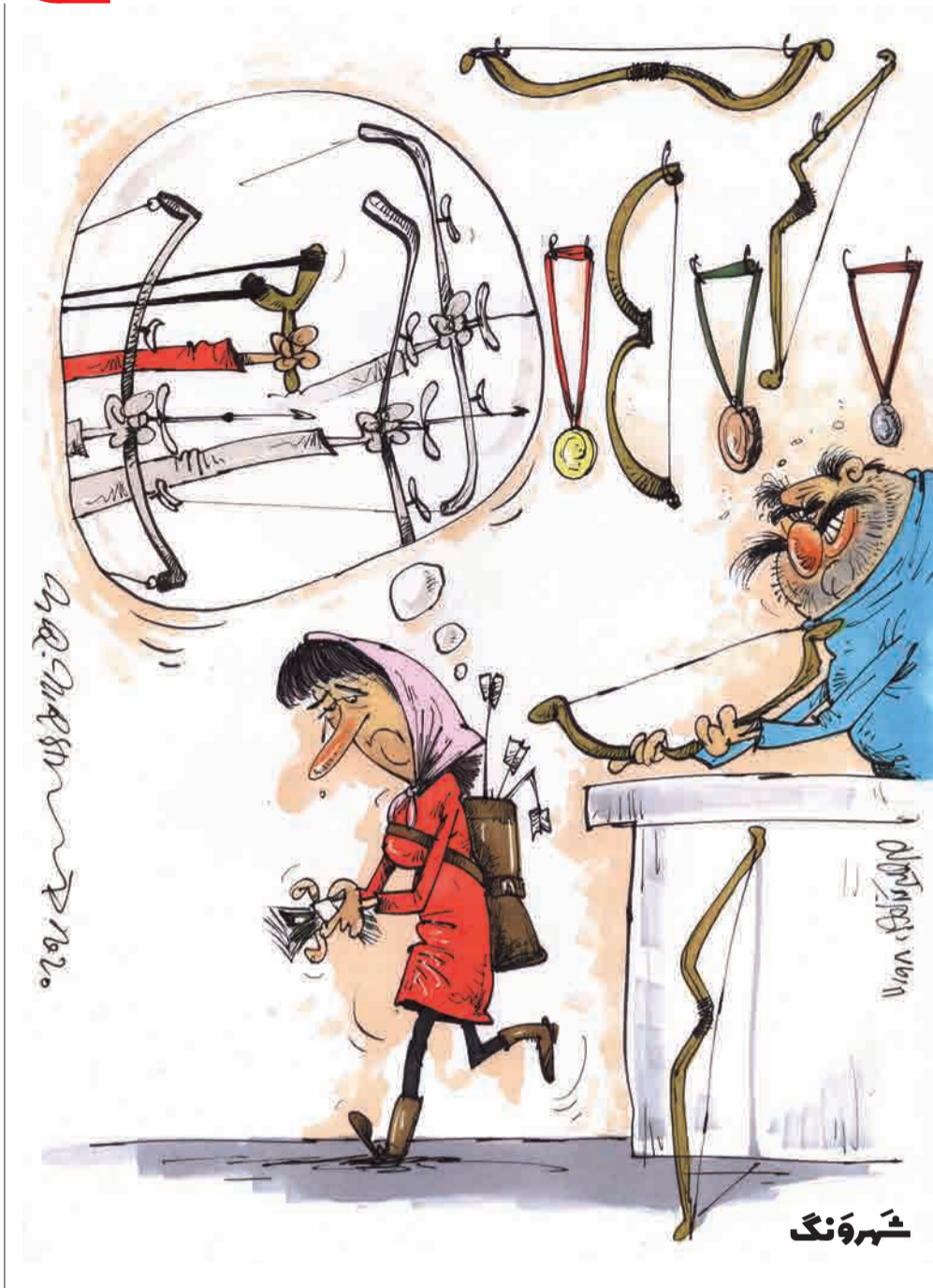
می‌توانید QRcode ریزرا  
یا کوشی اسکن کنید



اینستاگرام شهرنگ: [instagram.com/shahrvang1](https://www.instagram.com/shahrvang1) | ایمیل شهرنگ: [shahrvang1@gmail.com](mailto:shahrvang1@gmail.com)

# ملی پوش تیم ملی تیر و کمان به دلیل بدهی مجبور شد کمانش را بفروشد فدراسیون: در قدم بعدی اجازه داره روی فروش کلیداش هم حساب کنه!

رئیس فدراسیون: آگه خوب می خرندمنم چند تا توی انبار فدراسیون دارم!  
یک مسئول: ما معمولاً بعد از المپیک و توی فرودگاه  
یادمون می افته ورزشکار داریم!  
یک مسئول دیگر: تیر و کمان رو ول کن  
بیامن به دیسک اضافه دارم برو اون رو پرتاب کن!  
یک ورزشکار مهاجر: منم به خاطر اینکه نیفتم تو کار خرید و فروش مهاجرت کردم!  
طلبکار: من انداز فدراسیون بی رحم نیستم، آگه می گفتمی به کم صبر می کردم!  
یک شناگر: حالا تیر و کمان رو فروختی، من چی رو بفروشم؟!  
#طنز #پول #هست ولی برای همه نیست #فوت تدریجی ورزش #به داد  
ورزشکاران غیر فوتبالی برسید #شهرنگ



شهرنگ

## پنالتی



## بگم بگم های رحمتی و حسینی!

خنکی بسیار زیاد دل و اندام درونی می شود.  
چهار: پیش بینی چهارم این است که این  
دو نفر که سن و قد و وزن شان روی هم بالا  
می ره بالا می ره، نمی دونید تا کجا می ره،  
متحول شده و دست از رفتار کودکستانی  
بردارند و تمرکزشان را بگذارند روی موفقیت  
تیم خودشان. با خودشان بگویند هرچه  
داریم و نداریم از فوتبال و همین باشگاه  
استقلال است و بهتر است آرامشش را بهم  
نزنیم. البته این پیش بینی آخر خیلی حالت  
تخیلی پیدا کرد و عمرا در کشور ما کسی به  
چنین نتایجی برسد...

طی چند روز گذشته مهدی رحمتی و  
حسین حسینی تنها کاری که با هم نکردند  
این بود که سرکوبه قرار بگذارند و به گیس و  
گیس کشی بپردازند. آنها اولش سعی کردند  
در استوری ها با ایهام و همراه با کتایه به رنگ  
کردن طرف مقابل بپردازند، اما کمی که پیش  
رفتند، متوجه شدند استعدادی در این زمینه  
از ادبیات ندارند و کار به انتشار اسکرین شات  
کشید. در همین رابطه پیش بینی می شود  
طی چند روز آینده این اتفاقات هم بین این دو  
عزیز بیفتند.

یک: مهدی رحمتی برود و با چند تا از  
دوستانش سر کوچه حسینی اینا بایستد،  
یک زنجیر هم توی دستش بچرخاند و

هم زمان سوت ملایمی  
بزند، بعد که حسینی  
آمد که رد شود به همراه  
دوستان عزیزش بهش  
زیر پا بزنند و دعوا شروع  
شود.

دو: حسین حسینی  
چند کیلو سبزی قورمه  
بخرد و عده ای از بازیکنان  
استقلال را هم جمع کند  
تا در حین سبزی پاک  
کردن درباره اینکه مهدی  
رحمتی چه حرف هایی  
پشت سرش زده است،  
پشت سرش حرف بزنند  
و سر تکان بدهند.

سه: آیدی فیک  
اینستاگرام درست کنند  
و بروند در پیچ طرف و  
بدون هیچ گونه عقوبتی  
هرچه از اعماق دل شان  
بیرون آمد، نثارش کنند.  
این روش که جدیداً زیاد  
استفاده می شود باعث

## آفساید



## لطفا غریبه هانیا توی فدراسیون مون!

در حالی که انتخابات فدراسیون فوتبال نزدیک می شود که شما اگر علی دایی هم باشی و آقای  
گل جهان، در حد ریاست فدراسیون شناخته نمی شوی. ظاهراً در بند اول اساسنامه فدراسیون  
نوشته شده: «ما به اکبپی درست کردیم که توش خیلی بهمون خوش می گذره، باید به هم قول  
بدیم که نذاریم به غریبه، چه با شورت ورزشی، چه بی شورت ورزشی به داخل مون نفوذ کنه.  
ریاست فدراسیون هم که ارزشش از پرچم کرنا و سه ما کم تره، اما بهتره یکی از خودمون این پرچم  
ضایع رو حمل کنه.» به همین دلیل است که اهالی فوتبال نمی توانند به چند متری ریاست  
فدراسیون فوتبال هم برسند. نهایتاً می توانند وارد ساختمان فدراسیون شوند و وقتی چپ چپ  
نگاه شان کردند بگویند: «چی؟ رد می شدم، اومدم آب بخورم.» دلیل اصلی این موضوع هم این  
است که نامزدها برای تأیید صلاحیت باید امضای حد اقل ده نفر از اعضای مجمع را جمع کنند.  
اعضای مجمع هم که غریبی، به هیچ غریبه ای اجازه ورود به مسائل خانوادگی را نمی دهند و سعی  
می کنند همه مشکلات را به صورت درونی حل کنند. اصلاً چه معنی دارد چهار تا غریبه که حلاله  
زمانی پای شان هم به توپ خورده خواهند به زور وارد خانواده صمیمی این عزیزان شوند؟! □

## کرکر

## طلوعی باشکوه تر، این بار با اسکوچیچ!

فدراسیون فوتبال بار دیگر به قول مازیار ناظمی باشکوه تر طلوع کرد. فدراسیون طبق عادت  
همیشگی اش هم ما را اغافلگیر کرد، هم خودش، هم قلعه نویی، هم علی دایی و حتی اسکوچیچ را.  
یعنی شما چند ماه پیش به اسکوچیچ می گفتمی قرار است مربی تیم ملی ایران شوی، خودش  
می گفت: «اولاً من آدم پرتوقعی نیستم، به همین به لقمه نون حلالی که از صنعت نفت و  
خونه به خونه و اینا می رسه قانعم. آقام خدایا مرز همیشه می گفت آدم باید لقمه رو جور برداره و  
بخوره که توی گلویش گیر نکنه.» اما مسئولان عزیز فدراسیون این لقمه را به زور چهار انگشت و  
دوغ و نوشابه توی دهان اسکوچیچ جا دادند. اسکوچیچ هم که توی آبادان همه اش می گفت من  
دیگه نمی تونم و پام درد می کنه و دستم درد می کنه و فشارم افتاده... به محض اینکه پیشنهاد  
فدراسیون فوتبال رسید، دستمال قدرتش را بست و صحیح و سالم خودش را به تهران رساند.  
فقط این وسط بار دیگر افسردگی سرآه آن مربی های بزرگی رفت که قرار بود بعد از کی روش  
کاری کنند باشکوه تر طلوع کنیم، اما به نظر می رسد متأسفانه داریم باید بختی غروب می کنیم. □

## انالله و انالیه راجعون

با خبر شدیم، حمزه زینبی، دریافت کننده تیم والیبالی شهرداری ارومیه و بازیکن  
سابق تیم ملی ایران در غم از دست دادن فرزندش به سوگ نشست. امیر ارسلان  
زینبی، بعد از پشت سر گذاشتن یک دوره بیماری، سرانجام جان به جان آفرین  
تسلیم کرد.  
شهرنگ ورزشی این ضایعه را به حمزه زینبی و خانواده محترم تسلیت عرض  
کرده و برای آنها از خداوند منان آرزوی صبر و سلامتی دارد.

## هت تریک



## چه خوب که موفرفری رفت!



شهاب نویی  
... طنز نویس

دوستان دوشنبه های بدون نود و  
فردوسی پور از دست من یکی که در رفته. نود  
بعد از بخش خبری جذاب ۴ و ۴ دقیقه و تکرار  
سریال های شبکه آی فیلم و کارشناس های  
بی طرف شبکه خبر، جذاب ترین برنامه  
تلویزیونی بود که باعث می شد چند ساعتی توی  
خانه ها جنگ و مرافعه به وجود بیاید. به صورتی  
که معمولاً مرد خانه می خواست فردوسی پور را  
نگاه کند و زن خانه می خواست ببیند در فلان  
سریال ترکی بالاخره کی باکی ازواج می کند، اما  
خوشبختانه این روزها بنیودن فردوسی پور یکی  
از دلایل اختلاف و طلاق و جدایی در خانواده ها از  
بین رفته. الان همه ما هم توافق داریم تا میثاقی را  
توی تلویزیون می بینند صد می گویند: «بزن  
اون سریال ترکیه ببینیم بالاخره کی باکی ازواج  
می کنه.» کلاً مملکت آرام تر شده. افراد زیادی با  
این فقدان به آرامش رسیده اند. توی خیابان  
کسی با قفل دنبال کس دیگری نمی کنه،  
ترافیک دم غروب اتوبان صدر هم به کمترین  
زمان ممکن رسیده. برف و باران هم که همین  
جوری دارم می آید. اتوبان تهران-شمال هم که به  
بهر برداری رسید. پراید هم که قیمتش برگشت  
به همان قیمت دوسه سال پیش. مردم هم که  
هجوم بردن به سمت شبکه های اجتماعی  
داخلی، اولین لباس فضایی مان را هم که  
دوختیم. تازه از همه اینها گذشته دلایل  
فوتبال هم در آرامش دارند. لقمه نان شان را  
درمی آورند. مدیران فدراسیون قراردادهایی  
می بندند که فقه حلی شاه روی اش نمی شود  
آنها را امضا کنند. سایر مدیران هم بدون  
استرس پاسخگویی پای شان را  
انداخته اند و میز دارند چرت شان.

را می زنند. داورها هم رکورد سوتی بر



بزرگمهر حسین پور

حسین صافی / خبر آنلاین